

Ownership of Water Resources in Islam and Its Application in Iran

1. Aliasghar Salehimofrad: PhD Student, Department of Environmental Management, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Ali Faghih Habibi*: Professor, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: a_faghih@azad.ac.ir (Corresponding Author)
3. Seyed Abbas Poorhashemi: Canadian Institute for International Law Expertise (CIFILE): Toronto, Ontario, Canada
4. Shirin Shirazian: Assistant Professor, Department of Environmental Management, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

ABSTRACT

Water is one of the most valuable elements in the environment. The fundamental role of water in sustaining human life, the formation of nature and vegetation, the emergence and development of life, has long been a focal point in the scientific theories of scholars. In Islam, water is so highly valued that the Holy Qur'an refers to it as the "source of life for all living beings." One of the crucial and examinable aspects of water resources is their ownership. The present study, conducted using a descriptive-analytical method, addresses the importance of this issue by exploring the ownership of water resources in Islam and their application in Iran. By tracing this topic in Islamic teachings and legal regulations concerning water resources, the study initially examines the legal nature of water resources and their transition from *res nullius* (unowned property) to public ownership. Furthermore, the distinction between *anfal* (Islamic public property) and *musha'at* (common property) is clarified. The study also critiques the current water-related laws in Iran and proposes practical solutions to address ownership issues in this domain.

Keywords: *Ownership, Water Resources, Islam, Laws, Iran.*

How to cite: Salehimofrad, A., Faghih Habibi, A., Poorhashemi, S. A., & Shirazian, S. (2025). Ownership of Water Resources in Islam and Its Application in Iran. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(3), 19-35.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 30 December 2024

Revise Date: 21 February 2025

Accept Date: 07 March 2025

Publish Date: 23 September 2025



مالکیت آب‌ها در اسلام و نحوه کاربرد آن در ایران

۱. علی اصغر صالحی مفرد: دانشجوی دکتری، گروه مدیریت محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. علی فقیه حبیبی*: استاد، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک: a_faghih@azad.ac.ir (نویسنده مسئول)

۳. سیدعباس پوره‌اشمی: عضو هیات علمی و رئیس مؤسسه تخصصی حقوق بین الملل، تورنتو، انتاریو، کانادا

۴. شیرین شیرازیان: استادیار گروه مدیریت محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

آب به عنوان یکی از با ارزش‌ترین عناصر در محیط زیست است. نقش اساسی آب در ادامه زندگی بشر و به وجود آمدن طبیعت و نباتات، پیدایش حیات و رشد آن در نظریه‌های علمی دانشمندان مدت هاست مورد توجه قرار گرفته است. آب در اسلام بقدری با ارزش است که در قرآن کریم از آن به عنوان «مایه حیات تمام موجودات»، نامبرده است و یکی از موضوعات مهم و قابل بررسی در آب‌ها موضوع مالکیت آن‌ها است. مقاله حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده است، ضمن بیان اهمیت آن، مالکیت آب‌ها در اسلام و نحوه کاربرد آن در ایران، با دنبال نمودن این موضوع در اسلام و مقررات قانونی آب‌ها، ابتداء به بیان ماهیت حقوقی آب‌ها و مباحثات قابل تملک تا مال عمومی شدن را بررسی نموده است. سپس تفاوت بین انفال و مشترکات را نیز تبیین و با نقد قوانین فعلی کشورمان در حوزه آب، با ارائه راهکارهای کاربردی، حل مشکل آن، موضوع، مالکیت آب‌ها، را پیشنهاد نموده است.

واژگان کلیدی: مالکیت، آب‌ها، اسلام، قوانین و ایران

مقدمه

نحوه استناددهی: صالحی مفرد، علی اصغر، فقیه حبیبی، علی، پوره‌اشمی، سیدعباس، و شیرازیان، شیرین. (۱۴۰۴). مالکیت آب‌ها در اسلام و نحوه کاربرد آن در ایران. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۳)، ۱۹-۳۵.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۰ دی ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۳ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۷ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱ مهر ۱۴۰۴

در حیات بشری آب از دیرباز مورد توجه اقوام و گروه‌های انسانی بوده به گونه‌ای که در طول تاریخ، حیات بشری بدون وجود آن غیرقابل تصور بوده است. نقش اساسی آب در ادامه زندگی بشر و به وجود آمدن طبیعت و نباتات، پیدایش حیات و رشد آن و نظریه‌های علمی دانشمندان مدت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. آب در اسلام از جایگاه ویژه و دارای اهمیت بالایی برخوردار است تا جایی که در موضوعات مختلف و نوع کاربردهای آن را بیان نموده است. خداوند متعال در ۶۳ آیه در سوره مختلف قرآن کریم به طور مستقیم یا غیر مستقیم آب را اصل به وجودآورنده حیات و حیات موجودات را از آب بر می‌شمارد. از جمله در آیه ۳۱ سوره مبارکه انبیاء: «و جعلنا من الماء کل شیء حیو... ما آب را مایه حیات تمام موجودات قرار دادیم» بر اصل بقای زندگی و حیات موجودات از آب تأکید کرده است. در کشور ما «قانون حفظ و حراست منابع آب‌های زیرزمینی کشور» در تاریخ ۱۳۴۵/۰۳/۱۰ تصویب شد. اما این اقدام به تنهایی نمی‌توانست از نگرانی‌های منطقی و جدی بکاهد. تا جایی که مقنن را بر آن داشت تا آب‌ها را در تاریخ ۱۳۴۷/۰۵/۰۷ با وضع قانون «آب‌ها و نحوه ملی شدن آنها» ملی نماید. پس از انقلاب اسلامی نیز قانون اساسی در اصل ۴۵ خود آب را مصداق انفال دانست و تفصیل و ترتیب بهره برداری از آن را بر عهده قوانین بعدی گذاشت. در همین راستا بود که قانون توزیع عادلانه آب‌ها در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. قانونی که با نگاه به ماهیت حقوقی جدید آب‌ها برای تخصیص، بهره برداری و حفاظت آن‌ها ضوابطی تعیین نمود و اجرای آن را بر عهده وزارت نیرو گذاشت» (Pour Arshad, 2012).

مقاله حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده است، به تبیین مدل مطلوب نظام حقوق آب در اسلام پرداخته و ضمن بیان اهمیت و ضرورت بحث با عنوان: «مالکیت آب‌ها در اسلام و نحوه کاربرد آن در ایران» نگاشته شده است با دنبال نمودن موضوع مالکیت آب‌ها در اسلام و مهمترین مقررات قانونی آب‌ها در ایران ابتداء به بیان ماهیت حقوقی آب‌ها پرداخته و تحول در آن را از مباحات قابل تملک تا مباحات صرفاً قابل استفاده و از مال مباح بودن تا مال عمومی شدن بررسی کرده است. سپس نظام حقوقی بهره برداری و حفاظت از آب‌های زیرزمینی و سطحی در اسلام و ایران را مطالعه و تفاوت بین انفال و مشترکات را نیز تبیین نموده است و نهایتاً با نقد قوانین و مقررات فعلی کشورمان در حوزه آب‌ها را بیان و با ارائه راهکارهای کاربردی، حل مشکل آب یعنی موضوع «مالکیت آب‌ها» را پیشنهاد نموده است.

پیشینه پژوهش

در مورد پیشینه موضوع (مالکیت آب‌ها در اسلام و نحوه کاربرد آن در ایران) باید گفت با جستجویی که در پایان نامه‌ها، رساله‌های دکتری، مقالات و دیگر منابع نوشتاری برگرفته از تمام منابع معتبر اسلامی و حقوقی در یک مجموعه کامل باشد و همچنین نوع و میزان مالکیت افراد و اشخاص را با توجه به حقوق آب در اسلام و قوانین موجود کشور (اعم از بالادستی و سایر قوانین) را همراه با نقد و ارائه راهکارهای کاربردی تعیین کرده باشد صورت نگرفته است. اما آثار قابل رجوعی در زمینه آب‌ها در منابع اسلامی تاکنون نوشته شده است که ما در اینجا

به ذکر دو نمونه از آن‌ها بسنده می‌کنیم: «از نظر فقها آب باریده از آسمان و نیز آب بر جای مانده از برف و امثال آن پیش از حیات متعلق به خدا و از مباحات است اما اگر کسی آن را حیات کرد مشمول مقررات حیات خواهد بود (Ansari & Taheri, 2005).

قانون مدنی از ماده ۱۴۶ تا ۱۶۰ در مورد آب‌ها نیز که عمدتاً از فقه امامیه خصوصاً از کتاب تحریرالوسیله امام خمینی (ه) اقتباس شده است همراستا با نظر فوق می‌باشد که این نشان از ماهیت آب در نزد فقها امامیه دارد البته به نظر می‌رسد آب باید ملک و مملوک باشد تا بتواند موضوع معامله (از جمله بیع) واقع شود» (Pour Arshad, 2012).

«آب از نعمت‌های بزرگ الهی، مایه حیات و از سرمایه‌ها و ثروت‌های بسیار با ارزشی است که از دیرباز درباره ملکیت، مالیت و ارزش آن در کتاب‌های فقهی بحث شده است. آب‌ها اقسامی دارد. بعضی از اقسام آن مالکیت خصوصی دارد. بعضی از اقسام آن از انفال و بخش دیگری از آن، از مباحات است. به همین دلیل، احکام مالکیت هر یک از این اقسام با دیگری تفاوت‌هایی دارد» (Fayazi, 2013). لذا اگرچه که موارد فوق برگرفته از منابع معتبر اسلامی است، ولی هیچکدام از آن‌ها راهکارهای کاربردی حل موضوع مالکیت آب‌ها را ارائه نکرده اند، در نتیجه هدف این مقاله این است تا علاوه بر تبیین مالکیت آب‌ها در منابع اسلامی و تسری آن به قوانین آب ایران، با ارائه راهکارهای جدید و کاربردی از این عنصر حیاتی، آنرا محقق سازد.

مفاهیم و مبانی نظری آب

الف- مفهوم آب: «آب ماده‌ای است مرکب از ئیدروژن و اکسیژن که فرمول شیمیایی آن: H_2O است. آب تنها ماده‌ای است که در طبیعت به سه حالت: گاز، مایع و جامد وجود دارد و اغلب ناخالص است. آب خالص بی طعم، بی بو و شفاف است. مقدار کم آن بیرنگ، ولی مقدار زیاد آن آبی به نظر می‌رسد. آب خالص در سطح دریا در صفر درجه سلسیوس، یخ می‌زند و در صد درجه سلسیوس، جوش می‌آید. آب مایه اصلی زندگی است و انسان بیشتر از یک ماه هم می‌تواند بی غذا زنده بماند، اما اگر بیش از یک هفته آب به بدنش نرسد، خواهد مرد. حتی گیاهانی که در خشکترین جاها می‌رویند و یا جانورانی که در خشکترین جاها زندگی می‌کنند، نیاز به مقدار معینی از آب دارند. آب همه جا هست. بیشتر از ۷۰ درصد سطح زمین را آب اقیانوس‌ها، دریاها، دریاچه‌ها و رودخانه پوشانده است» (Karimian, 2004a, 2004b).

ب- مبانی نظری آب: «آغاز آفرینش و نخستین آفریده یکی از مباحث مهم فلسفی، کلامی و دینی بوده که در مکاتب فلسفی و ادیان دیدگاه‌های گوناگونی راجع بدان مطرح شده است و حکما، فلاسفه، عرفا و علمای دینی در چگونگی آغاز آفرینش و اینکه خلقت با کدام مخلوق شروع شده اشارات و توضیحات مختلفی را ارائه کرده اند. در قرآن کریم به این موضوع تصریح نشده هر چند از برخی آیات تفسیرها و برداشت‌های گوناگونی در این رابطه شده است. آنچه در قرآن کریم بدان تصریح شده اینکه آب را منشأ پیدایش همه موجودات زنده می‌داند: (...وجعلنا من الماء کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ... و هر موجود زنده را از آب آفریدیم و یا آب را مایه حیات تمام موجودات قرار دادیم، سوره مبارکه انبیاء، آیه ۳۰).

چندین روایت نیز «ماء: آب» را نخستین مخلوق دانسته است و سیاق عبارات چند روایت در منابع شیعی نیز همین مفهوم را افاده می‌کند. روایات مورد اشاره، آسمان‌ها و زمین و همه آفریده‌ها را پدید آمده از «ماء: آب» می‌داند همچنانکه سه عنصر دیگر (آتش، باد و خاک) را نیز صورت‌هایی مختلف از همین ماء می‌شمارد. اما آفرینش برخی از مخلوقات مانند ملائک و عرش را به این ماء نسبت نمی‌دهد و چه بسا آفرینش آن‌ها را مقدم بر آفرینش ماء می‌داند» (Karimian, 2004a, 2004b).

ج- مفهوم مالکیت: ۱- لغوی: مالکیت، از لغت (م. ل. ک) است و مالک اسم فاعل ملک است. ۲- اصطلاح حقوقی: حقی است که انسان نسبت به شیء دارد و می‌تواند هر گونه تصرفی در آن بکند بجز آنچه که مورد استثنای قانون است (فرهنگ فارسی معین). حق استعمال و بهره برداری و انتقال یک چیز به هر صورت مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد. در قانون مدنی ایران مالکیت فقط در مورد عین استعمال نشده است. در اصطلاح فقه هر سلطه قانونی را ملک نامند و مالکیت صفتی است که از این نظر بکار می‌رود. لذا گفته اند: مالکیت خانه، مالیک حق تحجیر، مالکیت منافع و غیره (Jafari Langroudi, 2021).

آب در منابع اسلامی

۴-۱- آب در قرآن کریم: قرآن کریم توجه و عنایت فوق‌العاده‌ای به طبیعت و عناصر طبیعت دارد (در این میان، آب از عمده‌ترین عناصر طبیعت به شمار می‌آید)، به طوری که در میان ادیان الهی هیچکدام به اندازه دین مبین اسلام، به ویژه قرآن کریم، به موضوع «آب» نپرداخته‌اند؛ تنوع موضوعی، تفصیل مباحث آب و تأکیدات قرآن کریم به ارزش و اهمیت آب، بیانگر این حقیقت است که توجه قرآن کریم به طبیعت و بالخصوص آب همه سویه بوده است ولی باید قائل به تفکیک شد: الف- آب به معنای سایر موضوعات، مثل: ...و کان عرشه علی الماء... و عرش با عظمت او بر روی آب قرار گرفت (قرآن کریم، سوره مبارکه هود، آیه ۷) و موارد دیگر.

ب- معانی آب مرتبط با موضوع مقاله:

۱- ماء به معنای آب باران می‌باشد: «...و انزل من السماء ماءً فاخرج به من الثمرات رزقاً لكم...» و از آسمان آب باران فرو فرستاد تا به سبب آن آب، میوه‌های گوناگون روزی شما گرداند» (قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه بقره، آیه ۲۲). و نیز در ۲۸ آیه دیگر قرآن کریم به همین معنی آمده است.

۲- ماء به معنای طوفان و سیل سهمگین است: در جریان طوفان نوح، حضرت نوح (علیه السلام) به فرزندش توصیه می‌کند که با آنان سوار کشتی شود ولی وی می‌گوید: «قال سأوی الی جبل یعصمنی من الماء...» گفت بزودی بر فراز کوه پناه می‌برم تا مرا از طوفان در امان بدارد. و یا... غیض الماء... و طوفان فروکش کرد» (قرآن کریم، سوره مبارکه هود، آیات ۴۳ و ۴۴).

۳- ماء به معنای مطلق آب بکار رفته است: یعنی بطور عموم به آب باران، آب چشمه سارها و رودخانه‌ها، آب چاه‌ها و دریاها اطلاق می‌شود اعم از آب‌های سطح الارضی و تحت الارضی و: «H₂O نزولات آسمانی می‌باشد و نیز به مفهوم عنصر آب بعنوان «مایعی» با مشخصات و فی الارض قطع متجاورات و جنات من اعناب و زرع و نخیل صنوان و غیر صنوان یسقی بماء واحد... و در زمین قطعاتی کنار هم و باغ‌هایی از انگور و زراعت و خرماي شاخه دار و بدون شاخه (گوناگون) که از یک آب مشروب می‌شوند وجود دارد» (قرآن کریم، سوره مبارکه رعد، آیه ۴).

۴- ماء به معنای منشأ خلقت و ماده اصلی و حیات تمام موجودات زنده است: الف- «...و جعلنا من الماء کل شیء حی...» و ما آب را مایه حیات تمام موجودات زنده قرار دادیم» (قرآن کریم، سوره مبارکه انبیاء، آیه ۳۰). ب- «والله خلق کل دابة من ماء... و خداوند هر جنبه‌ای را از آب خلق کرد» (قرآن کریم، سوره مبارکه نور، آیه ۴۵).

۵- ماء به معنای چشمه سارها است: «و فجّرنا الارض عیوناً فالتقی الماء علی امر قد قدر: و زمین را از حیث چشمه‌ها شکافتیم سپس آب‌ها به اندازه کافی بهم پیوستند» (قرآن کریم، سوره مبارکه قمر، آیه ۱۲).

۶- ماء به معنای آب چاه است: قرآن کریم در جریان داستان حضرت شعیب از چاه مدین یاد می‌کند و می‌فرماید: «و لَمَّا وَرَدَ ماءَ مدین وجد علیه امة من الناس یسقون... و هنگامی که حضرت موسی بر سر چاه مدین رسید دید جماعتی از مردم حشم و گوسفندان خود را از چاه آب می‌دهند» (قرآن کریم، سوره مبارکه قصص، آیه ۲۳).

۷- ماء به معنی بحر و یم آمده است: الف- بحر: «و جاوزنا بنی اسرائیل البحر فاتبعهم فرعون و جنوده بغیا و عدواً... و ما بنی اسرائیل را از آب دریا گذرانیدیم پس از آنکه فرعون و سپاهش به ظلم و تعدی آن‌ها را تعقیب کردند» (قرآن کریم، سوره مبارکه یونس، آیه ۹۰) و ب- یم: «وان قد فیہ فی التابوت فاقد فیہ فی الیم فلیلتقه الیم بالساحل... ما به مادر موسی وحی کردیم که کودک خود را در صندوقی بگذار و به دریا بیفکن، دریا کودک را به ساحل رسانید» (قرآن کریم، سوره مبارکه طه، آیه ۳۹).

۲-۴- آب هبه و عطیه خداوند بر انسان است «الرؤیة القرآنیة للعلاقة بین انسان و المیاء الطبیعیة و أساسیة کون المیاء هبة الله للانسان، و عناصر هذا الرکن من الرؤیة: و صرح القرآن الکریم فی اکثر من نص أن الذی الماء علی الأرض، و ینزله علی الدام إنما هو الله تعالی، من تلك الآیات: ,,وانزل من السماء ماءً فاخرج به من الثمرات رزقاً لکم: نظر قرآن کریم در رابطه بین

انسان و آب‌های طبیعی، استناد آن در مبانی است و آن؛ این است که آب هبه و عطیه خداوند بر انسان است و عناصر این رکن از طریق مشاهده و نظر است و خداوند متعال، در جاهای مختلف، قرآن کریم بیان فرموده است که منظور آن همین آبی است که روی زمین موجود است و همیشه آنرا از آسمان نازل می‌فرماید از جمله: «و خداوند از آسمان آبی نازل کرد تا بوسیله آن آب، ثمراتی را برای شما رویانید،» (سوره مبارکه ابراهیم، آیه ۳۲) (کاظم زاهد، ۲۰۰۳، ص ۴۰).

۳-۴- آب در سایر منابع اسلامی: سایر منابع اسلامی اعم از کلام معصومین (ع)، فقها و دانشمندان اسلامی از فریقین، شیعه و سنی، تصریح دارند به اینکه آب‌ها از مشترکات است. از جمله حضرت امام خمینی (ره) در صفحه ۶۶۷، جلد سوم تحریر الوسیله می‌فرماید: «مشترکات عبارتند از: راه‌ها، جاده‌ها، مساجد، مدارس، کاروانسراها بین راه که آنرا رباط گویند، آب‌ها و معادن». در کتب آشنایی با ابواب فقه که توسط فقها نگاشته شده همه این موارد شروطی دارد. ولی منظور ما در این مقاله فقط آب‌ها است که از مشترکات است و ذیلاً به آن می‌پردازیم:

۴-۴- آب‌ها از مشترکاتند: «قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فی الماء: پیامبر اکرم (ص) درباره آب‌ها بیان فرموده است: الف- الناس شرکاء فی ثلاثه الماء والکأ والنار: مردم در سه چیز شریک‌اند: آب، آب‌ها، جنگل‌ها و مراتع و آتش، آتش و کل حامل‌های سوختی،» (Muhammad Baqir al-Sadr, 1981). ب- أن المسلمین شرکاء فی الماء والنار والکأ: همانا مسلمین در سه چیز شریک هستند: در آب، آتش، آتش و کل حامل‌های سوختی، و جنگل‌ها و مراتع». احادیث فوق که فریقین، شیعه و سنی، آن را نقل کرده‌اند مورد اتفاق و پذیرش هر دو گروه است آب‌ها را از مشترکات می‌دانند و نه از انفال، یعنی متعلق به همه مردم است و دولت فقط بعنوان حاکم نقش نظارتی و حاکمیتی دارد. اجازه دخل و تصرف در آب‌ها را ندارد. البته مردم هم باید رعایت انصاف و عدالت را بنمایند و اگر آبی را طبق شرایط شرعی و عرفی حیازت و تملک نمودند باید در حد نیازشان استفاده نمایند و مازاد بر آن را رها کنند تا دیگران نیز از آن بهره مند شوند چراکه آب‌ها متعلق به همه مردم است در غیراینصورت دولت اسلامی بعنوان حاکم می‌تواند، ممتنع را مجبور به انجام و رها سازی آن نماید. ما در این مقاله نظرات بعضی از علماء و صاحب نظران مختلف در این را مورد ذکر می‌نماییم:

۱- «یکی دیگر از مشترکات آب‌ها است و منظور از آب‌ها: آب شط‌ها و نهرهای بزرگ چون دجله و فرات و نیل و یا نهرهای کوچک است که احدی در جاری کردن آن دخالت نداشته بلکه به خودی خود از چشمه سارها و یا برف آب‌ها و یا مسیل‌ها منشاء گرفته است، و هم چنین چشمه‌هایی که از شکاف کوه و یا در زمین موات جوشیده و نیز آب‌هایی که در بیابان باریده و از اطراف در نقطه‌ای گود جمع شده که مردم در استفاده از همه این گونه آب‌ها برابر و مساویند، هرکس چیزی از آن را با ظرف یا موتور و یا حوض و امثال آن حیازت کند مالکش می‌شود و همه احکام ملک بر آن مترتب می‌گردد، چه این که مسلمان باشد و چه کافر، و اما آب چشمه و چاه و قنات، فردی آن را در ملک خود و یا در زمین موات به قصد تملک آب حفر کرده باشد که چنین آبی ملک همان شخص است که حفر کرده مانند سایر ملک‌ها، و برای احدی

جایز نیست بدون اذن مالکش از آن بردارد و مالکش می‌تواند آن را به یکی از اسباب شرعیه نقل به دیگری منتقل سازد چه سبب قهری مانند ارث و چه اختیاری چون بیع و صلح و هبه و غیر این‌ها (باشد).

۲- «آب‌های طبیعی بر دو گونه اند: نخست آب‌های پراکنده و آشکار که خداوند آن‌ها را برای انسان بر روی زمین آفریده نظیر: دریاها، رودها، چشمه‌های طبیعی و منابع دیگر. قسمت دوم منابع پوشیده در ژرفای زمین است که برای نیل به آن‌ها باید به کار و تلاش متوسل شد مانند چاه‌هایی که انسان برای وصول به سرچشمه آب‌ها حفر می‌کند. آب‌های نخستین جزو مشترکات عمومی مردم است و مشترکات عمومی عبارتند از: آن ثروت‌های طبیعی که اسلام تملک آن‌ها را به فرد معینی اختصاص نداده و در حقیقت متعلق به تمام مردم است. یا به عبارت دیگر همه باید از آن‌ها بهره‌مند شود و اصل یا عین آن به صورت مال مشترک، همواره، باقی است. در نتیجه دریا و رودخانه به مالکیت خصوصی کسی در نمی‌آید و همه مردم از آن‌ها حق انتفاع دارند. هرگاه کسی مقداری از آن آب را در ظرفی بریزد و برای خود برگیرد مالک همان مقدار از آن آب می‌شود. اعم از آنکه آن را با ظرفی از رودخانه برگیرد یا با ابزاری بیرون بکشد به گونه‌ای شرعی، چاهی بکند و آن را به وسیله مجرائی به رود پیوند زند تنها مالک آب جدا شده از منبع می‌گردد. در نتیجه بدون حیازت نمی‌توان آب‌های مشترک عمومی را به تملک خصوصی درآورد... قسمت دوم از آب‌های طبیعی آب‌هایی است که در ژرفای زمین نهفته است و تا کسی مبادرت به کار و حفاری نکند تا بدان دست یابد به کسی اختصاص پیدا نمی‌کند. و هنگامی که انسان آن را بکند و با تلاش کشف کرد برای عامل کشف حقی در منبع مکشوفه حاصل می‌شود. یعنی هم می‌تواند از آن استفاده کند و هم دیگران را از مزاحمت در بهره‌برداری از آن منع کند زیرا او بوده که در نتیجه کار خود امکان بهره‌برداری از آن آب چشمه را فراهم آورده است و هم حق دارد که از این فرصت خویش بهره‌جوید و کسان دیگری که در ایجاد آن رنجی متقبل نشده‌اند نمی‌توانند مزاحم استفاده او گردند و به همین سبب وی حق اولویت دارد و مالک آبی است که هر لحظه تجدید می‌شود. زیرا این امر خود نوعی حیازت است. ولی در هر صورت وی، پیش از کار خود، مالک عین، چشمه‌ای که در دل خاک محال است، نمی‌شود از این رو وظیفه دارد که پس از برآوردن نیاز خود مازاد آب را به صورت بلاعوض، واگذار کند تا آن‌ها از آن بنوشند و مواشی خود را سیراب کنند. زیرا ماده آب همواره جزو مشترکات عامه باقی می‌ماند و تنها برای کاشف آن حق اولویتی ایجاد می‌کند که آن هم پس از رفع احتیاج خود باید برای استفاده به دیگران واگذار کند» (Muhammad Baqir al-Sadr, 1981).

۳- «أما مياه الأنهار والبحار ففيها رأيان فقهيان معروفان: أما في مورد آب رودخانه‌ها و دریاها، دو نظریه مشهور فقهی وجود دارد: أولهما: أنَّ البحار والبحيرات من الأموال التابعة لمنصب الإمامة والحكومة الانفال: نظریه اول اینست که آب دریاها و دریاچه‌ها از اموالی است که متعلق به منصب امامت و در اختیار حاکمیت و دولت اسلامی است، جزو انفال است.

والرأى الآخر: أنهما من المشتركات التى أباحها الله تعالى لعامة المسلمين أو لعامة الناس والرأى الثانى هو الرأى الفقهى المشور: و نظريه ديگر اينست كه آنها، آب درياها و درياچه‌ها، از مشتركات، از قبيل: راه‌ها و جاده‌ها، مساجد، مدارس، كاروان سراها، آب‌ها و معادن، هستند كه خداوند متعال آن‌ها را به عموم مسلمان و يا به عموم مردم مباح و جايز كرده است كه نظريه دوم، نظر مشهور فقهاء است و مهما يكن من أمر فإن رقبه المصادر المائية لا تدخل فى حوزة الملكية الفردية، كما لا تدخل المياه الموجودة فى هذه المصادر فى حوزة الملكية الفردية، إلا بقدر ما يدخل منها فى حيازة الفرد، وهى مسألة موضع اتفاق عامة الفقهاء: موضوع هرچه باشد، كنترول و نظارت بر منابع آبی در حوزة مالکیت فردی نمی‌باشد، همچنانکه آب‌های موجود در این منابع نیز در حوزة مالکیت فردی نمی‌باشد، مگر آن مقدار آبی كه در اختیار فرد است كه این موضوع، مورد اتفاق و اجماع عموم فقهاء است. إذن مياه الأنهار والبحار من الثروات المشتركة باتفاق كلمة فقهاء المسلمين والمشاركات هي: الثروات الطبيعية التى لا يأذن الإسلام لفرد خاص تملكها، وإنما يسمح للأفراد جميعاً بالاستفادة منها، مع احتفاظ أصل المال و رقبته بصفة الاشتراك و العموم، فالبحر أو النهر الطبيعي من الماء لا يملكه أحد ملكية خاصة، يباح للجميع الانتفاع به: بنابراین طبق اجماع فقهای مسلمان، آب رودخانه‌ها و درياها از ثروت‌های مشترك است مشتركات عبارتند از: ثروت طبیعی كه اسلام اجازه نمی‌دهد تا فرد خاصی آن را تملك نماید، بلكه اجازه می‌دهد تا همه مردم از آن بهره مند شوند و با حفظ اصل مال و مدیریت در كنترول آنها، به شكل عموم از آن استفاده نمایند، در نتیجه چه درياها و چه رودخانه‌ها طبیعی، در مالکیت خصوصی کسی نیست و استفاده از آن‌ها برای همه مجاز است» (Ansari & Taheri, 2005).

۴- «یکی ديگر از منابع مهم طبیعی كه به گروه خاصی تعلق ندارد و جزء مباحات عامه می‌باشد آب است؛ اعم از آب‌های ظاهری و آب‌هایی كه در عمق زمین وجود دارد. ساير ثروت‌های طبیعی مانند هيزم، حيوانات وحشی، پرندگان، ماهی و حيوانات دریایی، مرواريد و مرجان و... جزء مباحات و مشتركات‌اند و همه می‌توانند از آن‌ها آب‌ها استفاده كنند».

۴-۱- انفال و مباحات عامه در قانون اساسی: «در اصل ۴۵ قانون اساسی چنین آمده است: انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، درياها، درياچه‌ها، رودخانه‌ها و ساير آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نيزارها، بيشه‌های طبیعی، مراتعی كه حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول المالك و اموال عمومی كه از غاصبين مسترد می‌شود، در اختیار حكومت اسلام است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید. تفصيل و ترتيب استفاده از هر يك را قانون معين می‌كند، این اصل می‌گوید انفال و ثروت‌های عمومی در اختیار حكومت اسلامی و برای آن جمعاً ۱۵ مورد ذكر كرده است. در حكم این موارد بحثی از مالکیت مطرح نیست اما این موضوع از كلمه در اختیار استفاده شده است؛ زیرا اولاً: هدف قانونگذار نظر دادن درباره بحثی فقهی و حقوقی نیست بلكه تعيين تكلیف نسبت به استفاده از این اموال است. ثانياً: در این اصل، دو عنوان انفال و ثروت‌های عمومی آمده است كه نظریات فقهی در مورد مالکیت آن‌ها متفاوت است.

بعضی از نمونه‌های ذکر شده نیز در قلمرو، مباحات عامه، قرار می‌گیرد. به هر حال براساس مبانی فقهی قانونگذار همه این موارد را در اختیار دولت اسلامی قرار می‌دهد تا بر حسب قانون و طبق مصالح عمومی از آن‌ها استفاده شود. در این اصل قانونگذار چگونگی استفاده از این ثروت‌ها را بر عهده قانون نهاد است و مرادش از عبارت «در اختیار حکومت اسلامی»، این نیست که تنها راه استفاده از این ثروت‌ها بهره برداری مستقیم دولت است، بلکه این اجازه را به دولت می‌دهد که بر طبق مصالح عامه و برحسب قانون بهره‌برداری و مالکیت برخی از آن‌ها را به بخش خصوصی واگذار کند».

۴-۲- مشترکات: «از جمله اموالی که در اختیار دولت اسلامی قرار دارد اموالی است که همه آحاد مردم به‌طور مساوی حق استفاده و بهره‌برداری از آن را دارند که در فقه اسلامی به آن مشترکات می‌گویند. مشترکات به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای جزء ثروت‌های طبیعی اند؛ مانند علوفه مراتع، چوب جنگل‌های طبیعی، آب رودها و برکه‌ها و حیوانات وحشی. و دسته دیگر ثروت‌هایی که به دست بشر پدید آمده اند؛ مانند راه‌ها، خیابان‌ها، مساجد، مدارس و... کلیه مشترکات در اختیار دولت اسلامی قرار دارد و دولت به نمایندگی از امت اسلامی وظیفه دارد به حفظ و حراست و تکثیر و توزیع و بهره‌برداری بهینه از آن بپردازد» (Karami & Pourmand, 2014).

نوع و میزان مالکیت آب‌ها در اسلام تا چه حد است؟

نوع و میزان مالکیت آب‌ها برای اشخاص (اعم از حقیقی یا حقوقی) در اسلام تا چه حد است؟ بطور کلی اسلام منابع آبی را از مشترکات می‌داند که متعلق به کل جامعه و عموم مردم است که در این خصوص باید قائل به تفکیک منابع آبی شد: آب‌های سطح الارضی و روزمینی و آب‌های تحت الارضی و زیرزمینی.

۱. آب‌های سطح الارضی و روزمینی: ماده ۱ قانون توزیع عادلانه آب، آب‌های سطح الارضی و روزمینی را شامل: آب‌های دریاها و آب‌های جاری در رودها و انهار طبیعی و دره‌ها و هر مسیر طبیعی دیگر...، سیلاب‌ها و فاضلاب‌ها و زه‌آب‌ها و دریاچه‌ها و مرداب‌ها و برکه‌های طبیعی و چشمه سارها و آب‌های معدنی می‌داند. بطور خلاصه تمام آب‌های قابل رؤیت طبیعی را شامل می‌شود. علامه حلی در تقسیم آب‌ها می‌نویسد: «آب‌ها بر سه قسم اند: قسم اول، آب‌هایی است که شخصی آن‌ها را در ظرف، حوض، استخر، کانال یا... حیات کرده است. این قسم اختصاص به مالک آن دارد و هیچ کس بدون اجازه مالک آن حق تصرف در آن‌ها را ندارد، اما مالک آن می‌تواند آن‌ها را بفروشد یا تصرفات دیگر در آن‌ها انجام دهد. قسم دوم، آب‌هایی است که با تلاش انسان از زمین بیرون نیامده است و با حفر کانال و نهر جاری نشده است؛ بلکه خود به خود در زمین‌هایی جوشیده است که اختصاص به کسی ندارد و انسان‌ها هیچ نقشی در پیدایش سرچشمه و جریان آن نداشتند؛ مانند رود فرات و جیحون و رودخانه‌های جاری در تمام صحراها و کوه‌ها و غیره و سیل‌های باران‌ها. همه مردم در این آب‌ها شریک هستند؛ به دلیل این روایت که اهل سنت از پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم) نقل کرده اند: «مردم در سه چیز با هم شریک هستند:

آب، آتش و چراگاه؛ و همچنین به دلیل روایتی که از طریق شیعه نقل شده است: «همه مسلمانان در آب، آتش و چراگاه با هم شریک هستند در این مسئله، بین علمای اسلام اختلافی نیست» (Fayazi, 2013).

۲. آب‌های تحت الارضی و زیرزمینی: «قسم سوم، آب‌هایی است که ملکیت آن‌ها مردد بین عموم و خصوص است؛ مانند آب چاه‌ها و قنات‌ها. این قسم از آن جهت که در محل اختصاصی افراد حاصل شده است به آب‌های جمع‌آوری شده ظرف‌ها شباهت دارد؛ و از آن جهت که بین مردم بذل و توزیع می‌شود به آب‌های عمومی شباهت دارد در حالی که به صاحب چاه و قنات اختصاص دارد» (Fayazi, 2013).

آب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

در اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بطور کلی آب‌ها را بعنوان بخشی از انفال آورده است و بیان می‌دارد: «انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند،» (اصل ۴۵ ق، ۱۳۶۸). در مورد اینکه آب‌ها از انفال است یا از مشترکات، ذیلاً به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۶-۱- واژه انفال به چه معناست؟ «انفال»، در اصل از ماده «نَفَلَ»، بر وزن نَفَعَ، به معنی زیادی است، و این که به نمازهای مستحب «نافله»، گفته می‌شود، به این دلیل است که اضافه بر واجبات است، و همچنین اگر «نوه»، را «نافله»، می‌گویند به خاطر این است که بر فرزندان افزوده می‌شود، «نُوفَل» به کسی گفته می‌شود که بخشش زیاد داشته باشد. و اگر به غنائم جنگی نیز «انفال»، گفته شده است، یا به جهت این است که یک سلسله اموال اضافی است که بدون صاحب می‌ماند و به دست جنگجویان می‌افتد، در حالی که مالک خاصی برای آن وجود ندارد. و یا به این جهت است که جنگجویان برای پیروزی بر دشمن می‌جنگند، نه برای غنیمت، بنابراین غنیمت یک موهبت اضافی است که به دست آن‌ها می‌افتد» (Makarem Shirazi, 2019).

۶-۲- مقصود از انفال چیست؟ «اموالی که مالک شخصی ندارد و در همه نظام‌ها در اختیار دولت‌ها قرار دارد در فقه اسلامی انفال تلقی می‌شوند و مقصود از اموال عمومی و دولتی: دارایی‌های که متعلق به عموم مردم و دولت است، دارایی‌های عمومی مسلمانان است مانند: اراضی مفتوح‌العنوه و ثروت‌های بدون عنوان مالکیت که قابلیت بهره‌برداری همه مردم را دارد مانند: آب رودخانه‌ها، حیوانات صحرا، پرندگان هوا، ماهیان دریا و رودخانه‌ها که به آن‌ها مباحات عامه گفته می‌شود و دارایی‌های دولت اسلامی، شامل انفال و دارایی‌های دولت اسلامی است مانند: بناهای دولتی و سایر بانک‌های دولتی و بیمه مرکزی و...».

۳-۶- مفهوم مشترکات در فقه: «منظور از (مشترکات) چیزهایی است که همه مردم در استفاده از آن‌ها به طور مساوی، شریک هستند و حق دارند که با رعایت مقررات، از آن‌ها بهره برداری نمایند و از مصادیق مشترکات در فقه می‌توان «آب‌ها، را نام برد» (**"General Policies of the Seventh Plan," 2022**).

۴-۶- تفاوت بین انفال و مشترکات عمومی: انفال؛ «اموالی که در اختیار پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) است، که در واقع متعلق به منصب امامت و حاکمیت بوده و هرگز به ورثه امام منتقل نمی‌گردد، و فقها برای آن مصادیقی از جمله؛ زمین موات، زمین فیء و میراث کسی که ورثه‌ای ندارد را بر می‌شمرند. در حالی که مشترکات عمومی؛ اموالی هستند که مالک خصوصی ندارد و متعلق به عموم مردم است؛ مانند: کوچه، خیابان‌ها و...»

نتیجه‌گیری

از مجموع منابع مذکور در فوق اعم از قرآن کریم، روایات، سایر منابع و قوانین موضوعه نتیجه‌ای که در خصوص مالکیت آب‌ها حاصل می‌شود بشرح زیر است:

الف- نظر قرآن کریم در رابطه بین انسان و آب‌های طبیعی، استناد در مبانی است و آن؛ این است که «آب‌ها هبه و عطیه خداوند بر انسان است»، و عناصر این رکن از طریق «مشاهده و نظر است»، و خداوند متعال «در جاهای مختلف قرآن کریم، بیان فرموده است که منظور آن همین آبی است که روی زمین موجود است و همیشه آنرا از آسمان نازل می‌فرماید از جمله: «و خداوند از آسمان آبی نازل کرد تا بوسیله آن آب، ثمراتی را برای شما رویانید»، (سوره مبارکه ابراهیم، آیه ۳۲).

ب- برای انفال در کلام فقها تعریفی که ملاک و معیار مشخصی بدهد ارائه نشده است تا بر اساس آن بتوان موارد انفال را تشخیص داد، بلکه فقها غالباً به ذکر موارد و مصادیق انفال که در روایات به آن‌ها اشاره شده است پرداخته‌اند. لذا اگر چه در اصل ۴۵ قانون اساسی از آب‌ها بعنوان انفال ذکر کرده است و بیان می‌دارد: «دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی... از انفال است» ولی حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شد که مورد اتفاق فریقین است فرمودند: «الناس شركاء فی ثلاثه: فی الماء و الکلاء و النار: مردم در سه چیز شریک‌اند: آب، مرتع و آتش». با این وجود، آب‌ها دیگر از انفال نیستند بلکه از مشترکات عمومی هستند و اینکه آب‌ها از مشترکات هستند تمام فقهاء نسبت به آن اتفاق نظر دارند. حال که پذیرفتیم آب‌ها از مشترکات هستند. مشترکات مالک خاصی ندارد و متعلق به عامه مردم است. ج- به موجب ماده ۱ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ «براساس اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آب‌های دریاها و آب‌های جاری در رودها و نهار طبیعی و دره‌ها و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی، و زیرزمینی و سیلاب‌ها و فاضلاب‌ها و زه آب‌ها و دریاچه‌ها مرداب‌ها برکه‌های طبیعی و چشمه سارها و آب‌های معدنی و منابع آب زیرزمینی از مشترکات بوده و در اختیار حکومت اسلامی

است و طبق مصالح عامه از آن‌ها بهره برداری می‌شود. مسئولیت حفظ، نگهداری و اجازه و نظارت بر بهره برداری از آن‌ها به دولت محول شده است». اگرچه در این ماده از لفظ مشترکات استفاده نموده ولی چون در صدر ماده به اصل ۴۵ قانون اساسی استناد کرده و کلمه «در اختیار حکومت اسلامی است» آنرا تکرار کرده است در عمل هیچ اتفاقی نیفتاده است لذا این ماده عملاً آب‌ها را از انفال می‌داند و متعلق به دولت که در اختیار دولت هم هست.

د- «لازم به ذکر است که شورای نگهبان ضمن یکی از ایرادات ماهوی که نسبت به قانون توزیع عادلانه آب به عمل آورد، چنین اظهار نظر نمود: «اینکه آب‌ها را از انفال ذکر نموده اید شرعاً صحیح نیست و پیشنهاد می‌شود نوشته شود «آب‌ها از مشترکات است و در اختیار دولت است، درست است»، که در اصل ۴۵ قانون اساسی دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و کلیه آب‌های عمومی را جزو انفال و ثروت‌های عمومی تلقی کرده است با این حال باید دانست که مفهوم انفال و ثروت‌های عمومی با مشترکات عمومی تفاوت‌های زیادی دارد و قانونگذار به این مقوله توجه کمتری نشان داده است» (Safarinia, 2013).

پیشنهادهات

الف- بین اصل ۴۵ قانون اساسی که آب‌ها را در زمره انفال آورده است با حقوق آب در منابع اسلامی که آب‌ها را از مشترکات می‌داند و متعلق به همه مردم، تعارض وجود دارد و این ایراد جدی و ماهوی است و قابل اصلاح می‌باشد. به نظر ما، اولاً: اگر روزی نیاز به بازبینی و اصلاح قانون اساسی باشد می‌تواند مدنظر قرار گیرد چراکه به استناد بخش آخر اصل ۱۷۷ قانون اساسی که بیان می‌دارد: «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است». درغیر موارد یادشده، جزو اصول لا یتغیر قانون اساسی نمی‌باشد. یعنی اصل ۴۵ قانون اساسی هم قابل بازنگری و اصلاح می‌باشد. ثانیاً: به استناد بخش اول اصل ۴۴ قانون اساسی و بند ۱۰ ماده ۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام که عیناً تکرار شده است تنها: «سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی» در واگذاری به بخش غیر دولتی، مستثناء شده است. لذا می‌شود مابقی امور آب را به اشخاص حقیقی و یا حقوقی واگذار کرد. حتی به نظر می‌رسد، منعی در واگذاری مدیریت و اداره این امور «سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی» به بخش غیر دولتی هم اعم از تعاونی و خصوصی نباشد.

ب- هدف از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی اینست که اولاً: دولت در اداره امور تمام بنگاه‌ها و مؤسسات اقتصادی تحت امرش موفق نبوده و حتی تعدادی از آن‌ها در حال حاضر زیانده هستند. ثانیاً: برای چابک سازی و کاستن از هزینه‌ها دولت، این قانون وضع شده است تا هم دولت مالکیت بخش عظیمی از امکانات خود را واگذار کند و هم با فراق بال نقش نظارتی و حاکمیتی خود را بخوبی

ایفاء نماید. در صورتی که اجرای این قانون حداقل در بخش آب‌ها تاکنون مغفول مانده است. لذا این قانون باید با جدیت در امور آب‌ها پیگیری و اجرا شود.

ج- در صورت اجرای قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و با توجه به قدمت بیش از ۴۰ ساله قانون توزیع عادلانه آب، مغایرت جدی و اساسی با مشترکات اسلامی در زمینه آب‌ها دارد. لذا باید این قانون بازنگری و اصلاحات جدی و ماهوی در آن صورت گیرد.

د- با توجه به اینکه در بند ۲۵ فصل هفتم: «اداری، حقوقی و قضایی»، سیاست‌های کلی برنامه هفتم با اولویت پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت که توسط مقام معظم رهبری، نسبت به «...به روز رسانی قوانین و مقررات...» اعلام شده است. فصل اول قانون توزیع عادلانه آب که مربوط به مالکیت عمومی و ملی آب و سایر قوانین مرتبط با آب بازنگری و اصلاحات ماهوی در آن صورت گیرد. ه- با توجه به این که آب‌ها در اسلام از مشترکات است و اصل آن متعلق به عامه مردم است. دولت در واگذاری آن به مردم فقط در جاهایی که در نگهداری و انتقال آب‌ها هزینه‌هایی متحمل شده است به مقدار هزینه کرد خود از مردم پول دریافت نماید نه بیشتر.

و- با عنایت به اینکه آب‌ها از عناصر حیاتی و مهم هر جامعه است، «بویژه کشور ایران که در یک منطقه خشک و نیمه خشک بیابانی قرار دارد»، اهمیت مضاعف دارد، حاکمیت بطور عام و دولت بطور خاص باید بعد از اصلاح قوانین آب، نقش نظارتی و حاکمیتی خود را بطور مستمر ایفاء نماید تا حق از کسی ضایع نشود.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Water is one of the most essential resources for human existence, playing a fundamental role in sustaining life, shaping ecosystems, and fostering economic development. In Islamic teachings, water holds significant value, being described in the Holy Qur'an as the source of all living beings (Karimian, 2004a, 2004b). The ownership and governance of water resources have been subjects of extensive jurisprudential and legal discussions, particularly in Islamic

law, where water is often considered a public good meant to benefit all. This study explores the ownership of water resources in Islam and their application in Iran, adopting a descriptive-analytical approach to examine historical perspectives, contemporary legal frameworks, and potential solutions to address current challenges.

Islamic law provides a unique perspective on water ownership, distinguishing between various categories such as anfal (public properties) and musha'at (common properties). The Qur'an repeatedly emphasizes water as a divine gift, highlighting the obligation of equitable distribution and sustainable utilization (Karami & Pourmand, 2014). Jurisprudential sources further delineate water resources into those accessible to all (e.g., rivers and rainwater) and those that require human intervention for access, such as wells and canals. The principles of fairness, public welfare, and stewardship guide Islamic approaches to water management, ensuring that no individual or entity monopolizes water to the detriment of others (Muhammad Baqir al-Sadr, 1981). In Iranian law, these principles have been translated into legal provisions, with the Constitution of the Islamic Republic of Iran considering water as part of the anfal, subject to state oversight for equitable distribution.

The historical evolution of water law in Iran reveals significant efforts to align governance practices with both Islamic principles and modern legal needs. The "Law on the Protection and Conservation of Groundwater Resources" enacted in 1966 marked the first major legal intervention in water management. However, it was the nationalization of water resources in 1968 that fundamentally altered the legal landscape, centralizing control under state authority (Pour Arshad, 2012). Post-revolutionary reforms further reinforced the state's role, with the 1982 "Fair Distribution of Water Law" establishing comprehensive guidelines for allocation and conservation. Despite these measures, challenges persist in achieving a balance between public ownership and private use rights, particularly concerning agricultural, industrial, and domestic consumption demands (Fayazi, 2013).

One of the critical legal distinctions in Islamic jurisprudence is the differentiation between public and private ownership of water. Classical Islamic scholars agree that natural water bodies, such as rivers and lakes, belong to the public, while water extracted through personal effort (e.g., wells) may become private property under specific conditions (Ansari & Taheri, 2005). This distinction is reflected in Iranian legal codes, which regulate water usage through a combination of public ownership and private rights frameworks. However, ambiguities in the application of these principles have led to disputes, particularly in cases involving inter-provincial water transfers and competing sectoral demands (Jafari Langroudi, 2021). Addressing these challenges requires a more precise delineation of water rights and

responsibilities, ensuring alignment with both Islamic doctrines and modern legal imperatives.

A significant issue facing Iran's water management system is the increasing strain on resources due to population growth, climate change, and industrial expansion. The over-extraction of groundwater, pollution of surface water, and inefficient irrigation practices have exacerbated water scarcity concerns, necessitating legal and policy interventions (Makarem Shirazi, 2019). Islamic teachings emphasize sustainable stewardship of natural resources, advocating for conservation, equitable distribution, and the prevention of wastefulness. These principles can inform policy reforms aimed at enhancing water efficiency, promoting participatory governance, and integrating traditional water management systems such as qanats. The incorporation of community-based management models rooted in Islamic ethics may offer practical solutions to contemporary water governance challenges.

In conclusion, the study underscores the need for a holistic approach to water resource management in Iran, incorporating Islamic principles, legal frameworks, and modern governance strategies. By recognizing water as both a public trust and a critical economic resource, policymakers can develop sustainable management models that ensure equitable access, environmental sustainability, and economic viability. Future research should focus on refining legal definitions of water ownership, exploring comparative approaches from other Islamic jurisdictions, and developing adaptive strategies to address emerging water challenges. The integration of traditional knowledge, legal reforms, and technological advancements can pave the way for a more resilient and equitable water governance system in Iran.

References

- Ansari, M., & Taheri, M. A. (2005). *Encyclopedia of Private Law, Volume 3*. Mehrab Fekr Publishing.
- Fayazi, S. M. R. (2013). *A Jurisprudential Study of People's Ownership of Public Wealth*. SAMT Publishing.
- General Policies of the Seventh Plan. (2022).
- Jafari Langroudi, M. J. (2021). *Legal Terminology*. Ganj Danesh Publishing.
- Karami, M. M., & Pourmand, M. (2014). *Foundations of Islamic Economics from a Jurisprudential Perspective*. SAMT Publishing.
- Karimian, N. (2004a). *Encyclopedia of Water and Hydrology in Islamic Jurisprudence and Traditions*. Roshdieh Publications.
- Karimian, N. (2004b). *Encyclopedia of Water and Hydrology in the Holy Quran*. Roshdieh Publications.
- Makarem Shirazi, N. (2019). *Official Website of His Office*.
- Muhammad Baqir al-Sadr. (1981). *Our Economy*.

- Pour Arshad, N. (2012). *Water in Islamic Jurisprudence and Iranian Codified Law*.
<https://civilica.com/doc/153395/>
- Safarinia, M. (2013). *The Right to Safe Drinking Water in International Human Rights Law*. Majd Publishing.